

مدیریت اسلامی

می‌کند، یا در آزمایشگاه قسمتهای مختلف بدن انسان از هم باز و جدا می‌گردد، به این عمل «شرح» و «تشریح» گفته می‌شود. و بهمین مناسبت وقتی که کسی یک مسأله علمی پیچیده که برای دیگران بسته و نامفهوم است را باز می‌کند می‌گویند مسأله را شرح کرد. همانطور که عمل شکافتن و بازکردن اعضاء بدن که قسمتهای درونی آنها قابل رؤیت حسی می‌سازد شرح و تشریح بدن است، عمل شکافتن مسائل علمی و بازکردن پیچیدگیهای آن، باطن آن مسائل را قابلیت رؤیت عقلی می‌دهد و لذا به این عمل نیز شرح و تشریح گفته می‌شود.

اما کلمه «صدر»: صدر دو معنا دارد، یکی حقیقی و دیگری مجازی، معنای حقیقی صدر، قفسه سینه و معنای مجازی آن عبارت است از جایگاه ادراکات و شناختههای انسان با محلی که مرکز ادراکات عقلی و قلبی انسان در آن قرار دارد.^۱ بنابراین شرح صدر به معنای بازکردن و گسترش سینه دوگونه می‌توان تفسیر کرد:

۱- بازکردن و گسترش قفسه سینه بدین معنی که جراح چاقوی تشریح را بدمت گیرد گوشتهای روی سینه را کنار بزند و استخوانها را باز کند و آنچه درون آنست را ظاهر نماید که این شرح صدر مادی حقیقی است.

۲- بازکردن و گسترش جایگاه ادراکات و شناختههای انسان، و این شرح صدر معنوی و مجازی است.

استعمال شرح صدر در معنای دوم اصطلاحاً استعاره تخیلیه و یا استعاره بالکنایه گفته می‌شود و مقصود از شرح صدری که بعنوان نخستین اصل از اصول مدیریت مطرح شد معنای دوم (یعنی معنای مجازی شرح صدر) است.

سینه انسان در این تفسیر از شرح صدر به ظرفی تشبیه شده که مظهر آن ادراکات و شناختههای گوناگون است.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا قفسه سینه به ظرف شناختهها و احساسات انسان تشبیه شده است، بعبارت دیگر چه رابطه و علاقه‌ای میان قفسه سینه و جایگاه احساسات و ادراکات انسان

در قسمت اول از این بحث پس از تعریف مدیریت و تبیین شیوه‌های مدیریت و مدیریت اسلامی توضیح دادیم که اصول مدیریت اسلامی در پنج اصل خلاصه می‌شود، این اصول عبارتند از: شرح صدر، آسان شدن کار، قابل فهم بودن سخن، همکاری شایسته، و الهی بودن هدف. و اینک تشریح اصول مدیریت اسلامی:

الف: شرح صدر

نخستین و مهمترین اصل از اصول مدیریت شرح صدر است. برای تبیین این اصل لازم است ابتدا شرح صدر را معنا کنیم، و پس از آن مواردی که این واژه در قرآن کریم بکار رفته را مورد بررسی قرار دهیم، سپس رابطه شرح صدر و مدیریت را توضیح دهیم، بحث اول و دوم مقدمه بحث سوم یعنی رابطه شرح صدر و مدیریت است، از این سه بحث که بگذریم به بحثی اساسی ترمی رسیدیم و آن عوامل شرح صدر و موانع آن است، بنابراین در ارتباط با تبیین نخستین اصل از اصول مدیریت اسلامی پنج مسأله باید مورد بحث و بررسی واقع شود این مسائلی عبارتند از:

۱- تفسیر شرح صدر

۲- شرح صدر در قرآن

۳- رابطه شرح صدر و مدیریت

۴- عوامل شرح صدر

۵- موانع شرح صدر

تفسیر شرح صدر

شرح صدر مرکب از دو کلمه است: یکی کلمه «شرح» و دیگری کلمه «صدر» ابتدا هر یک از دو کلمه را جدا جدا معنی می‌کنیم و سپس مقصود از ترکیب آنها را توضیح می‌دهیم:

کلمه «شرح» در لغت به معنای بسط و گسترش و بازکردن است. راغب در کتاب مفردات القرآن در تفسیر کلمه «شرح» می‌نویسد:

اصل الشرح بسط اللحم ونحوه

ریشه لغت «شرح» بازکردن گوشت و مانند آنست.

وقتی که قصاب قسمتهای مختلف بدن گوسفند را از هم باز

وجود دارد که مجازاً سینه در ظرف مدبرکات استعمال می شود؟.

پاسخ اینست که از آنجهت به قفسه سینه ظرف مدبرکات گفته می شود که جایگاه قلب انسان است و قلب محل پایگانی ادراکات است و «ظَرْفُ الظَّرْفِ ظَرْفٌ» بنابراین سینه باعتبار اینکه ظرف قلب است، ظرف مدبرکات است نه به اعتبار اینکه خود مستقلاً جایگاه ادراکات است.

در اینجا سؤال دیگری مطرح می شود که مگر قلب صنوبری که در داخل قفسه سینه است ظرف ادراکات انسان است تا به مناسبت اینکه صدر جایگاه قلب است مجازاً در مرکز پایگانی ادراکات بکار رود؟

پاسخ اینست که خیر، قلب صنوبری ظرف ادراکات نیست، ظرف ادراکات روح است، ولی شدت ارتباط روح با قلب صنوبری موجب شده است که به روح مجازاً قلب اطلاق شود^۳. بنابراین وقتی که ما صدر را در مرکز ادراکات بکار می بریم مرتکب دو مجاز شده ایم؛ یکی اینکه مجازاً «صدر» را در «قلب» بکار برده ایم و مجاز دوم اینکه قلب را مجازاً در روح استعمال نموده ایم.

با عنایت به آنچه عرض شد تفسیر شرح صدر در یک جمله عبارت است از ظرفیت فکری و روحی و عبارات دیگر گنجایش انسان برای ادراکات و احساساتی که بر او وارد می گردد، در مقابل ضیق صدر که به معنای کم ظرفیتی و عدم گنجایش لازم نیست به واردات فکری و روحی است.

کسی که سینه اش گنجایش لازم را برای آنچه بر آن وارد می گردد از علم، قدرت، خوشی، ناخوشی، راحتی و ناراحتی، احساس تنگی نمی کند دارای شرح صدر است و کسی که احساس تنگی نمی کند مبتلا به ضیق صدر می باشد و هرچه ظرفیت فکری و روحی انسان بیشتر باشد دارای شرح صدر بیشتر، و هرچه ظرفیت انسان کمتر باشد دچار ضیق صدر بیشتر است.

شرح صدر در قرآن

در قرآن کریم شرح صدر در پنج مورد مطرح شده است، دو بار بصورت مطلق، و دو بار مقید به اسلام، و یکبار مقید به کفر. در سوره طه آیه ۳۵ و سوره انشراح آیه ۱ شرح صدر بصورت مطلق آمده است:

«قال رب اشرح لی صدري» (طه ۳۵)

(گفت پروردگارا سینه ام را برابم بازکن)

موسی علیه السلام وقتی که از جانب خداوند متعال مأموریت رهبری بنی اسرائیل و درگیری با فرعونیان را دریافت می کند نخستین

چیزی که بعنوان ابزار انجام این مأموریت از خدا می خواهد، شرح صدر است و نیز خداوند وقتی که می خواهد نعمتهای خود را برای پیامبر اسلام بیان کند، شرح صدر را بعنوان نخستین نعمت مطرح می نماید و میگوید:

«ألم نشرح لك صدرك» (انشراح ۱)

(آیا ما برای تو سینه ات را نگسترديم؟)

در این دو مورد همانطور که ملاحظه می فرمائید «شرح صدر» مطلق مطرح شده است ولی در دو مورد مقید به «اسلام» آمده یکی در سوره انعام آیه ۱۲۵:

«فمن برد الله أن يهديه يشرح صدره للإسلام»

(کسی که خداوند بخواهد او را هدایت کند سینه اش را برای پذیرش اسلام باز می کند).

و دیگری در سوره زمر آیه ۲۲:

«أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه»

آیا کسی که خداوند سینه او را برای پذیرش اسلام باز نموده و او در نتیجه این شرح صدر در پرتو نوری از پروردگار خود حرکت می کند «قابل مقایسه با دیگری است»؟.

و در سوره نحل آیه ۱۰۶ شرح صدر مقید به کفر آمده:

«... من شرح بالكفر صدراً فعليهم غضب من الله ولهم عذاب اليم».

(کسی که به کفر شرح صدريافته اند مورد خشم الهی هستند و برای آنها است عذابی دردناک).

بنابراین در قرآن کریم سه نوع شرح صدر مطرح شده است:

۱- شرح صدر مطلق.

۲- شرح صدر اسلامی.

۳- شرح صدر کفری.

باید دید که در هر یک از این موارد مقصود از شرح صدر چیست؟.

شرح صدر مطلق

مقصود از شرح صدر مطلق همانست که قبلاً در تفسیر شرح صدر ذکر شد یعنی ظرفیت فکری و روحی و آمادگی قلب برای پذیرش علم، قدرت، خوشی، ناخوشی، و حق، و بطور کلی همه ادراکات و احساساتی که بر آن وارد می گردد.

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام سخنان ارزنده ای درباره مردم کم ظرفیت معاصر خود دارد که بصورت درد دل برای یکی از یارانش بنام کمیل مطرح نموده این سخنان با این جمله آغاز می شود.

«با کمال این هذه القلوب اوعية فخيرها او اعاهها»

(ای کمال این دلها ظرفهایی هستند و بهترین آنها دلی است که ظرفیت و گنجایش آن بیشتر باشد).

از نظر علی علیه السلام ارزش دل انسان که حقیقت انسان چیزی جز آن نیست مساوی است با شرح صدر و ظرفیت آن، هر چه ظرفیت دل بیشتر باشد قیمت آن بیشتر است.

احساس علم و دانائی، احساس قدرت و توانائی، احساس ریاست و حکومت، احساس خوشی و راحتی و احساس ناخوشی و سختی، اموری است که ظرف دل انسان دائماً در معرض ریزش آنست.

بعضی از دلها آنقدر تنگ و کوچک است که با احساس کمترین علم و دانش پرمی شوند، و گاهی حتی مقدمات علم، و بلکه خیال علم، دلهای کم ظرفیت را پرمی کند مانند طلبه ای که شرح امثله شروع کرده بود و وقتی صیغه ها را یاد گرفت سینه خود را وجب می کرد و از قدرت خدا اظهار شگفتی می نمود که چگونه اینهمه علم را در این دو وجب سینه جا داده است!

میگویند در اوائل طلبگی انسان خیال می کند که پیغمبر است، مقداری که تحصیل کرد تصور می کند امام است، بتدریج می پندارد مجتهد است و پس از اینکه عالم شد می فهمد که طلبه ای بیش نیست! این ویژگی همه کسانی است که مبتلا به ضیق صدرند، ولی دلهائی نیز هست که بقدری گسترده اند که اگر اقیانوسهای علم در آن سرازیر گردد احساس عطش علم در آنها خاموش نمی شود، بلکه اگر همه معلومات جهان را در خود جادهند احساس جهل و نادانی می کنند. بگفته متفکر بزرگ شرق این سینا: «شکاف علوم انسانی و مطالعات» یک سوی ندانست ولی موی شکافت بعضی از دلها آنقدر کم ظرفیتند که هیچ رازی را نمی توانند در خود نگهدارند و برخی قلبها از شرح صدری برخوردارند که بزرگترین رازها در صدف سینه دارند و لب نمی گشایند.

بعضی از دلها بقدری کوچکند که احساس کمترین قدرت آنها را پرمی کند و با لبریز شدن ظرف دل تعادل آنها بهم می خورد، و خود را گم می کنند، و گم کردن خود در سخن گفتن، خوردن، خنده، نشست و برخاست آنها مشهود است. و برخی آنقدر با ظرفیت اند که احساس قدرت حکومت بر همه جهان هم آنها پرنمی کند و اگر حکومت دنیا را به آنها بدهند کوچکترین تغییری در زندگی خصوصی و برخوردهای عمومی آنها پدید نمی آید.

نمونه اعلا و روشن اینگونه دلها، قلب مقدس پیامبر اسلام است

که قدرت و حکومت کوچکترین تغییری در زندگی او ایجاد نکرد. روایت است که زنی آوازه نبوت و قدرت حکومت پیامبر را شنیده بود آمد از نزدیک ببیند که پیامبر چگونه آدمی است، اتفاقاً وقتی خدمت حضرت رسید که روی زمین نشسته و مشغول غذا خوردن بود، وقتی ملاحظه کرد مردی که آوازه قدرتش جهان عرب را فرا گرفته مانند برده های آنروز خیلی ساده و فاقد هرگونه تشریفات روی زمین نشسته و غذا می خورد بی اختیار فریاد زد:

«با محمد إنك لتأكل أكل العبد، وتجلس جلوسه»

(ای محمد بخدا سوگند تو مانند برده غذا می خوری و مانند او می نشینی!).

گویا تو مردی که قدرتت زیانزد خاص و عام است نیستی، گویا تو ریاست و حکومت نداری که مانند برده زندگی می کنی و هیچیک از نشانه حاکمان قدرتمند در رفتار تو مشاهده نمی گردد؟!.

پیامبر اسلام در پاسخ فرمود:

«ويحك اي عبد أعبد مني!»

(وای بر تو چه میگوئی! کدام بنده از من بنده تر است!).

کسی که قدرت و ریاست، تعادل روانی او را بهم می زند و خود را گم می کند او بنده خدا نیست، بنده خدا از ظرفیت فکری و روحی ویژه ای برخوردار است که هیچ احساسی او را لبریز نمی کند و تعادل او را بهم نمی زند.

و کوتاه سخن اینکه هر چه ظرفیت قلب بیشتر و شرح صدر انسان افزونتر باشد ارزش او بیشتر است و «خیرها او اعاهها».

و در سخنی دیگر امام علی علیه السلام می فرماید:

«اعلموا ان الله سبحانه لم يمدح من القلوب إلا او اعاهها للحكمة ومن الناس إلا اسرعهم الى الحق اجابة»

(بدانید که خداوند سبحان در میان دلها جز دلی که ظرفیت او برای حکمت بیشتر است و از مردم جز کسی که زودتر از دیگران حق را می پذیرد ستایش نکرده است!).

در قسمت آینده درباره شرح صدر اسلامی و شرح صدر کفری بحث خواهیم کرد.

ادامه دارد

- ۱- شرح المسألة شرحاً، كشف غامضها وبيتها: مسأله را شرح کرد یعنی پیچیدگی آن را باز نمود و آنرا بیان کرد/ المنجد.
- ۲- فانها لا تعمى الابصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور.
- ۳- کتاب «اصول عقائد اسلامی» تألیف نگارنده صفحه ۲۰۰-۱۹۸.
- ۴- میزان الحکمة حدیث/ ۱۹۶۶.
- ۵- میزان الحکمة حدیث/ ۱۶۶۲۵.